

فصلنامه علمی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (سلام الله علیها)

سال شانزدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۸، پیاپی ۴۳، صص ۱-۲۸

بررسی نهادینه‌سازی اطعام مسکین در بستر تاریخی

نزول قرآن کریم

هادی سلیمی^۱

رضا شکرانی^۲

محسن فریور^۳

DOI:10.22051/tqh.2019.22309.2170

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱

چکیده

قرآن کریم به صورت مکرر از اطعام به نیازمندان جامعه سخن گفته است چرا که این گروه در ابتدایی‌ترین نیاز خود یعنی خوراک در مانده‌اند. پرواضح است این آیات در یک بستر تاریخی نازل شده‌اند لذا تدبر در آن‌ها مطابق با ترتیب نزول و با توجه به حوادث و مخاطبان عصر نزول می‌تواند مراحل تشریح این حکم را آشکار کند. پژوهش حاضر با همین هدف به نگارش درآمده است. بدین سان طبق روایات معتبر ترتیب نزول، چینش آیات اطعام مسکین مشخص گردید و سعی بر آن شد با مقارنه این آیات مراحل نهادینه‌شدن این فرمان الهی کشف شود. در سوره ابتدایی مکی با

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

h.salymy@gmail.com

r.shokrani@gmail.com

۲. دانشیار گروه علوم قرآن حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری علوم قرآن حدیث دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. M.farivaryeganeh@gmail.com

تشویق و انذار نسبت به خوراک دادن نیازمندان سعی در ایجاد آگاهی و معرفت بنیادی نسبت به این موضوع شده است. در اواخر این دوره اطعام نیازمندان به صورت جدی‌تر دنبال می‌شود و اعلام می‌گردد در اموال مردم حقی برای بینویان است. در مدینه و با تشکیل حکومت اسلامی کمک به نیازمندان به صورت یک حکم فقهی در می‌آید و منابع آن از طریق خمس، زکات، انفاق و کفاره اعمال منهی عنه تأمین می‌شود.

واژه‌های کلیدی: اطعام، مسکین، تفسیر تنزیلی — موضوعی،

مکی، مدنی.

مقدمه و طرح مسئله

«اطعام» از ریشه «طعم» به معنای مزه و خوردن است و هر گاه به باب افعال رود معنی «خوراک دادن» می‌دهد مثلاً وقتی گفته می‌شود: «أَطْعَمْتَهُمُ الْخُبْزَ»؛ منظور این است که به قوم نان دادم (ابن سلام، ۱۴۱۶، ج ۲، ص ۴۶۹). «مسکین» نیز به معنای کسی است که فقر و ذلت در وی جمع شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳، ص ۲۱۱). «راغب اصفهانی» در معنای آن می‌نویسد: «کسی که هیچ چیز نداشته باشد و از لفظ «فقیر» بلیغ تر است» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۴۱۷).

مسلمان یکی از مؤلفه‌های اصلی توسعه اقتصادی هر جامعه‌ای عدالت اقتصادی و توجه به طبقات محروم جامعه است لذا قرآن در مسیر تحول دینی و جامعه سازی اقتصادی به این موضوع توجه فراوان داشته و در ۲۰ آیه از قرآن کریم از «مسکین» و اطعام وی یاد شده است. از همین رو تاکنون کتب و مقالات فراوانی در رابطه با فقر و شیوه فقرزدایی در قرآن به نگارش درآمده ولی هیچ یک از منظر تاریخی و بر اساس شرایط نزول و مقارنه آیات به این موضوع توجه نکرده‌اند. حال آن که مطالعه این آیات به صورت تنزیلی می‌تواند

نکات تازه‌ای را آشکار کند و مراحل نهادینه‌سازی اطعام نیازمندان در قرآن را مشخص نماید. از این جهت موضوع این نوشتار نو و تازه محسوب می‌شود.

آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ نخست شرایط تاریخی و فضای نزول آیات اطعام مسکین و دیگری مقایسه و در کنار هم نهادن آیات متحدالموضوع به ترتیب نزول است. به دیگر سخن این پژوهش در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست که: فضای نزول آیات چه تأثیری بر شیوه تعبیر قرآن در پرداختن به اطعام نیازمندان داشته است؟ آیا با مقارنه آیات اطعام مسکین تغییر و تحولی در تشریح این حکم دیده می‌شود و به تدریج مفاهیم جدید به آن افزوده شده است؟ یا یک مفهوم ثابت در آیات مختلفی مورد تأکید قرار گرفته است؟

گفتنی است مراد از ترتیب نزول در این پژوهش ترتیبی است که در روایات ذکر شده که از معتبرترین آن‌ها روایت عطا و ابو کریب از ابن عباس است که در تفاسیر و کتب علوم قرآنی - معمولاً در بخش «معرفة الکی و المدنی» - انعکاس یافته است. برخی از معاصران نیز با بررسی تطبیقی این روایات و رفع عیوب آن‌ها جداولی را در ترتیب نزول قرآن تهیه کرده‌اند. مانند نگارنده «درآمدی بر تاریخ‌گذاری قرآن» (نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) و مؤلف «تفسیر تنزیلی قرآن» (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵) که این جداول دارای اختلافات جزئی هستند و تا حدود زیادی می‌توانند راهگشا باشند.

۱. وضعیت اقتصادی مکه و مدینه پیش از اسلام

با نگاهی به وضعیت جغرافیایی مکه آنچه که نمایان می‌شود کمبود آب و وجود بیابان‌های گسترده و احاطه شدن با کوه‌های بزرگ است (أزرقی، بی‌تا، ص ۶۷). تعبیر قرآن کریم از شرایط آن به «بَوَادٍ عَرْبٍ ذِي زُرْعٍ» (ابراهیم: ۳۷) نشانگر همین موضوع است. در جاهلیت «مکه» به دلیل جغرافیایی یک مرکز تجاری به شمار می‌آمد و اعراب هر سال از نقاط مختلف در مکه و بازار «عکاظ» جمع می‌شدند و شعر می‌سرودند و داد و ستد انجام می‌دادند از این رو مکه را پایه حجاز نامیده‌اند (قزوینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۸۵).

و سعت «مدینه» (یثرب) نصف مکه بوده و هر کس بر آن وارد می‌شود بوی خوش را استشمام می‌کرده است (قزوینی، بی‌تا، ج ۱، ص ۴۱). صاحب «معجم البلدان» درباره آن می‌نویسد: «و لها نَحِيلٌ كثيرةٌ و مياهٌ و نَحِيلُهُمْ و زُرُوعُهُمْ تَسْقَى مِنَ الْآبَارِ عَلَيْهَا الْعَبِيدُ» (حموی، ج ۴، ص ۷۰).

یکی از مراکز اصلی یهود مدینه و خیبر بود و یهودیان بنی قینقاع و بنی قریظه و بنی نضیر در آن ساکن بودند. آن‌ها در زراعت و تجارت مهارت زیادی داشتند و با ثروت خود قلعه‌هایی ساخته بودند (افغانی، ۱۹۷۴، ص ۱۵۷). هنگامی که پیامبر اکرم (ص) به یثرب مهاجرت کرد همراهان ایشان که مهاجرین نامیده می‌شوند اموال و خانه‌های خود را رها کرده بودند و در وضعیت اقتصادی سختی به سر می‌بردند و انصار نیز به دلیل درگیری اوس و خزرج توان اقتصادی بالایی نداشتند.

از اسنادات تاریخی بر می‌آید جامعه عرب جاهلی دچار فاصله طبقاتی شدیدی بود. صاحب «المفصل فی تاریخ العرب» می‌نویسد:

«پیش از اسلام اشخاصی بودند که به ثروت و زیادی اموال شناخته می‌شدند. از این گروه عده‌ای دارای احساس بودند پس ضعفاً را کمک و نیازمندان را اطعام می‌نمودند. حال هدفشان محبت بود یا کسب شهرت در هر صورت جزء نیکوکاران محسوب می‌شدند. گروه دیگر فاقد احساسات انسانی بودند و به فقرا کمک نمی‌کردند و در ربا سخت‌گیری می‌نمودند و از کمک به دیگران سر باز می‌زدند» (علی، ۱۴۲۲، ج ۹، ص ۷۹).

نوع غذا بر اندام انسان تأثیر می‌گذارد از همین رو اعراب بدوی معمولاً لاغر اندام بودند چرا که خوراک آن‌ها ساده و فاقد چربی بود. در بعضی از سال‌ها افراد زیادی از شدت فقر و گرسنگی فوت می‌کردند. گاه اعراب به خاطر ترس از گرسنگی دست به خودکشی می‌زدند به این صورت که در را بر روی خود قفل می‌کردند تا می‌مردند. این نوع از خودکشی را «اعتقاد» می‌نامیدند (همان، ص ۵۰).

مؤلف «لسان العرب» در معنای آن می نویسد: «أَنْ يُغْلِقَ الرَّجُلُ بَابَهُ عَلَى نَفْسِهِ فَلَا يَسْأَلُ أَحَدًا حَتَّى يَمُوتَ جُوعًا» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۹۶)؛ مرد در را روی خودش می بندد و از کسی چیزی نمی خواست تا این که از گرسنگی بمیرد.

۲. بررسی تنزیلی آیات اطعام مسکین

با مقارنه آیات اطعام مسکین مشخص می شود قرآن کریم طی مراحل مختلف نهادینه سازی این فریضه الهی را انجام داده است. در ادامه این مراحل ارائه می شود:

۲-۱. مرحله اول؛ ایجاد آگاهی و بینش نسبت به اطعام مسکین

با توجه به آنچه درباره شرایط اقتصادی مکه گفته شد و تعداد کم مسلمانان؛ مسلماً در چنین فضایی امکان اجرای عملی دستورات قرآن و ایجاد اصلاح در جامعه در سطح وسیع نیست. لذا در این دوران بنیان های فکری اجتماع عرب جاهلی نشانه می رود و خداوند با آیات مختلف سعی در بیداری نفوس و ایجاد آگاهی نسبت به مسئولیت های اجتماعی دارد. در این مرحله آیات کوتاه، تکان دهنده، پر طنین، و توأم به اندازهای فراوان است و طبقه ثروتمند مکه که به نیازمندان کمک نمی کردند مورد توبیخ قرار می گیرند.

در زمان نزول سوره های ابتدایی قرآن، فضای پیرامون پیامبر (ص) و مسلمانان را انداز و بیان دغدغه ها و مشکلات پیش رو فرا گرفته است لذا قرآن راه رستن از این دغدغه ها را بیان می کند (بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۷۶). از همین رو اطعام بینوایان به عنوان راه نجات از آتش جهنم معرفی می شود و این موضوع در تناسب کامل با فضای سور ابتدایی قرآن است. در جدول زیر آیات این مرحله مطابق با ترتیب نزول بررسی می شود:

تاریخ نزول	نکات تازه	موضوع	آیه	ردیف
حدود سال اول تا سوم بعثت		اشاره ضمنی و در قالب داستان اصحاب جنه	قلم: ۱۷-۲۴	۱
حدود سال اول تا سوم بعثت	انجام ندادن آن در کنار نماز نخواندن موجب افتادن در جهنم می‌شود	اولین اشاره صریح به فرمان اطعام مسکین	مدثر: ۴۴	۲
حدود سال دوم و سوم بعثت	توجه به مسئولیت اجتماعی مسلمانان	نکوهش عدم تشویق به اطعام مسکین	فجر: ۱۸	۳
سال سوم بعثت	مطرح کردن یتیم در کنار مسکین	تشویق نکردن به اطعام یتیمان از نشانه‌های انکار روز جزا (دین اسلام)	معاون: ۳	۴
سال سوم بعثت	فراموش نکردن اطعام یتیم در روز گرسنگی (قحطی، خشکسالی و...)	اطعام به مسکین همراه با تأکید	بلد: ۱۶	۵

جدول شماره ۱: آیات مرحله اول تشریح اطعام مسکین

۲-۱-۱. آیه ۴ سوره قلم

در غالب منابع تفسیری و علوم قرآنی؛ سوره قلم به عنوان دومین سوره نازل شده در مکه قرار گرفته است (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۴۰؛ بهجت پور، ۱۳۹۰، ص ۳۴۵). محتوای سوره دل‌داری و حمایت از پیامبر (ص) در برابر تهمت‌های ناروای مشرکان است. خداوند در این سوره به صورت تلویحی در قالب داستان «اصحاب جنه» (قلم: ۱۷-۲۶) به «مسکین» اشاره کرده و تلویحاً بیان می‌کند که عذاب الهی آن‌ها به سبب ندادن میوه به نیازمندان است.

صاحب «تفسیر الحدیث» می‌نویسد: «فَتَكُونُ هَذِهِ الْقِصَّةُ أُولَى الْقِصَصِ الْقُرْآنِيَّةِ نَزُولًا» (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۳۷۹)؛ این داستان از اولین قصص کریم است که نازل شده است. در آیه ۲۴ بیان شده است: «أَنْ لَا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُمْ مَسْكِينٌ» (قلم: ۲۴)؛ که امروز نباید در باغ بینوایی بر شما درآید.

مفسران در تفسیر این آیه نقل کرده‌اند که «اصحاب الجنة» از اهالی یمن یا حبشه بودند و باغی از پدرشان داشتند و او در میوه آن حقی را برای مساکین قرار داده بود لذا یتیمان و بینویان و افراد نیازمند از میوه‌های آن روزگار می‌گذارند. بعد از فوت پدر پسران او دچار دنیادوستی و طمع شدند و برای این که سهمی از میوه‌ها به فقرا نرسد در صبح بسیار زود به چیدن میوه‌های باغ می‌رفتند و آهسته سخن می‌گفتند که کسی باخبر نشود در نهایت این کفران نعمت آن‌ها سبب شد عذاب الهی بر آنان وارد گردد و باغ از بین برود (ابن عاشور، بی تا، ج ۲۹، ص ۷۱).

۲-۱-۲. آیات ۳۸ تا ۴۴ سوره مدثر

سوره «مدثر» جزء اولین سوره‌های مکی است که در آن آشکارا سخن از اطعام مسکین به میان آمده و در برخی از منابع به نقل از «جابر ابن عبدالله» بیان شده سوره «مدثر» اولین آیات نازل شده بر پیامبر (ص) است (طبری، ۱۴۱۲، ج ۲۹، ص ۹۰). نگارنده «الاتقان» بیان کرده که سوره «مدثر» اولین سوره کامل نازل شده و سوره «علق» با توجه به آیات ابتدایی، اولین سوره است (سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۹۳).

به هر حال در بیشتر جداول ترتیب نزول این سوره بعد از «علق»، «قلم» و «مزمل» چهارمین سوره نازل شده در مکه است (خازن بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸). در تفاسیر نقل شده؛ آیات ۲۵-۱۱ این سوره درباره «ولید بن مغیره» نازل شده که پیامبر (ص) را مورد استهزاء و انکار قرار می‌داد (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۹۳). این گونه روایات نشان‌دهنده مشکلات پیامبر (ص) در آغاز رسالت و شرایط نزول سوره مدثر است.

در این سوره به صورت صریح از اطعام مسکین و مجازات اطعام نکردن به او سخن گفته شده است: «كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِينَةٌ * إِلَّا أَصْحَابَ الْيَمِينِ * فِي جَنَّاتٍ يَتَسَاءَلُونَ * عَنِ الْمُجْرِمِينَ * مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ * قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ * وَ لَمْ نَكُ نُطْعِمِ الْمَسْكِينِ» (مدثر: ۳۸-۴۴)؛ هر کسی در گروه دستاورد خویش است، به جز یاران دست راست در میان باغ‌ها. از

یکدیگر می‌پرسند، درباره مجرمان: چه چیز شما را در آتش (سَقَر) درآورد؟ گویند: «از نماز گزاران نبودیم و بینوایان را غذا نمی‌دادیم».

۲-۱-۳. آیات ۱۷ و ۱۸ سوره فجر

خداوند پس از سوره مدثر در آیات شریفه سوره فجر که دهمین سوره بر اساس نزول است (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲) از اطعام مسکین سخن به میان می‌آورد: «كَأَلَا بَلٍّ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ * وَلَا تَحَاضُونَ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (فجر: ۱۸-۱۷)؛ ولی نه، بلکه یتیم را نمی‌نوازید و بر خوراک (دادن) بینوا همدیگر را بر نمی‌انگیزید.

این سوره بعد از سوره «اللیل» در مکه نازل گردید اگر این نقل قطعی باشد، باید در سال دوم یا سوم بعثت نازل شده باشد (قریشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۲۰۶). خداوند در این سوره نسبت به سوره مدثر یک گام فراتر نهاده و بیان می‌کند نه تنها خود بینوایان را اطعام کنید بلکه همدیگر را نیز به این کار تشویق کنید و تشویق افراد جامعه به اطعام درماندگان را به عنوان یک مسئولیت اجتماعی قرار می‌دهد. چون مهیا کردن و سایل زندگی و روزی برای درماندگان، باید به همکاری و همدستی همه باشد، فرمود: «وَلَا تَحَاضُونَ» چرا که اگر این مسئولیت خطیر انجام نگیرد، کینه‌ها و عقده‌های متراکم، منشأ ایجاد جامعه‌ای متجاوز و ناامید می‌شود، و استعدادها در طریق کینه‌جویی و انتقام‌گیری به کار می‌رود (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۷۰).

۲-۱-۴. آیات ۲ و ۳ سوره ماعون

در سوره ماعون، اطعام به مسکین همراه با اشاره به معاد مطرح می‌شود: «أَرَأَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالْإِيمَانِ * فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ وَ لَا يُحِضُّ عَلَىٰ طَعَامِ الْمَسْكِينِ» (ماعون: ۲-۳): آیا کسی را که (روز) جزا را دروغ می‌خواند، دیدی؟ این همان کس است که یتیم را بسختی می‌رانند و به خوراک دادن بینوا ترغیب نمی‌کند.

در غالب روایات ترتیب نزول، سوره «ماعون» به عنوان هفدهمین سوره نازل شده در «مکه» بعد از سوره «تکواثر» قرار گرفته است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۳). «مقاتل» و «کلبی» در شأن نزول این سوره می گویند درباره «عاص بن وائل سهمی» و «هبیره بن ابي وهب» همسر «ام هانی» عمه پیامبر (ص) نازل شده است (سلیمان بلخی، ۱۴۲۳، ج ۴، ص ۸۷۱). «ابن جریر» گوید: ابو سفیان بن حرب هر هفته دو شتر می کشت، اما هرگاه یتیمی نزد او می آمد و چیزی طلب می کرد، او را می زد. پس خداوند این سوره را فرو فرستاد (واحدی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۹۳). در این سوره به جهت تأکید مفاهیم سوره «فجر» سخن از تشویق اطعام مسکین به میان آمده است. از آن جایی که این آیات در مکه نازل شده و قرآن کریم در حال دعوت مشرکان به اصول اصلی اسلام است، اطعام نیازمندان نیز در همین فضا قرار می گیرد و به عنوان یکی از نشانه های انکار روز جزا مطرح می شود و از سوی دیگر طبقه ثروتمند مکه نیز که به نیازمندان کمک نمی کردند مورد توبیخ قرار می دهد. گفتنی است در برخی منابع تفسیری منظور از «دین» نفس دین و آیین اسلام بیان شده است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۲، ص ۳۰۲). در این صورت معنی آیه فقط منحصر به معاد نیست و می تواند شامل مباحث دیگری مانند انکار توحید و نبوت نیز شود.

۲-۱-۵. آیات ۱۶-۱۲ سوره بلد

سوره بلد، سی و پنجمین سوره است که بعد از سوره «ق» در مکه نازل گردید (سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۴۱؛ بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵). برخی بیان کرده اند احتمال دارد که در سال سوم بعثت، قبل از اظهار دعوت و پیش از نزول «فَاَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَ أَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ» (حجر: ۹۴) نازل شده باشد (قریشی، ۱۳۷۷، ج ۱۲، ص ۲۲۷).

بسیاری از مفسران «بلد» به «مکه» تفسیر کرده اند که این موضوع نیز مکی بودن سوره را تقویت می کند (طبری، ۱۴۱۲، ج ۳۰، ص ۲۴). در سبب نزول سوره بلد بیان شده که درباره مرد نیرومندی به نام «اسید بن کلدۀ» از اهالی مکه نازل شد که گمان می کرد کسی بر او قادر نیست (ابوالفتح رازی، ۱۴۰۸، ج ۲۰، ص ۲۸۳). در آیاتی از این سوره از «اطعام مسکین»

یاد شده است: «فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ * وَ مَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ * فَكُلْ رَقَبَةً أَوْ إِطْعَامًا فِي يَوْمٍ ذِي مَسْعِيَةٍ * يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ * أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ» (بلد: ۱۶)؛ ولی نخواست از گردنه (عاقبت‌نگری) بالا رود! و تو چه دانی که آن گردنه (سخت) چیست؟ بنده‌ای را آزاد کردن یا در روز گرسنگی، طعام دادن به یتیمی خویشاوند، یا بینوایی خاک‌نشین.

مطابق با فضای نزول در سوره‌های مکی، در این سوره اطعام مسکین به معاد گره خورده است و آنچه در سوره «ماعون» بیان شده بود تأکید می‌گردد. در این آیات «مسغبه» به معنای گرسنگی، «مقربه» خویشاوندی و «متربه» فقیر خاک‌نشین است و اضافه ذی و ذا به آن‌ها به جهت تأکید وصف و تعیین مسئولیت و تثبیت حق درباره ضعیفا و ناتوانان است (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۴، ص ۴۹۴؛ طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۱۰۰).

۲-۲. مرحله دوم؛ تعیین حق در اموال مسکین

در سوره‌های پیشین که مربوط به اوائل بعثت بود نسبت به اطعام نیازمندان آگاهی و هشدارهای لازم داده شد. از این رو در سوره «اسراء» که احتمالاً مربوط به بعد از علنی شدن دعوت در مکه است این امر به شکل جدی‌تر دنبال می‌گردد و برای درماندگان حقی در اموال مردم تعیین می‌شود. به این ترتیب گامی مهم در جهت ایجاد عدالت اقتصادی و از بین بردن اشرافیت جاهلی برداشته شد.

در سوره «روم» نیز که جزء آخرین سوره‌های مکی است بر حق نیازمندان تأکید می‌گردد. در زمان نزول این سوره‌ها جامعه اقلیت مسلمان در برابر اکثریت مشرکان شکل گرفته بود لذا تقابل با عقاید جاهلی با شدت بیشتری انجام می‌گیرد و زمینه‌چینی لازم برای نهاده‌سازی آن در جامعه نوپای اسلامی صورت می‌گیرد. آیات این مرحله در جدول زیر ملاحظه می‌شود:

سال نزول	تکات تازه	پیام اصلی	آیه	
سال ۶ یا ۷ بعثت	تعادل در بخشش و پرهیز از اسراف	تعیین حق در اموال برای مساکین	اسراء: ۳۶	۱

حدود سال ۹ و ۱۰ بعثت	اطعام مسکین از ویژگی‌های مؤمن است.	اطعام نیازمندان از ملزومات ایمان به خدا	حاقه: ۳۴	۲
۱۳ بعثت	نتیجه اطعام نیازمندان رستگاری جامعه است.	تأکید دوباره حق مسکین در اموال مردم	روم: ۲۸	۳

جدول شماره ۲: آیات مرحله دوم تشریح اطعام مسکین

۲-۲-۱. آیه ۲۶ سوره اسراء

سوره «اسراء» مکی است و در غالب جداول ترتیب نزول به عنوان پنجاهمین سوره بعد از «قصص» قرار گرفته است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۳؛ بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵). به نظر می‌آید که این سوره در نزدیکی‌های هجرت نازل شده باشد چرا که نقل شده «اسراء» یک سال قبل از هجرت رخ داده است (سلیمان بلخی، ۱۴۲۳، ج ۲، ص ۵۱۲).

در تفسیر «جوامع الجامع» نیز به این موضوع اشاره شده است: «قيل انه كان قبل الهجرة بسنة» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۴۳۸). در آیه ۲۶ سخن از «مسکین» به میان آمده است: «وَأْتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبَذِّرْ تَبْذِيرًا» (اسراء: ۲۶)؛ و حق خویشاوند را به او بده و مستمند و در راه مانده را [دستگیری کن] و ولخرجی و اسراف مکن.

نکته جدیدی که در این سوره به آن پرداخته می‌شود چگونه انفاق کردن و پرهیز از اسراف و رعایت تعادل در بخشش است. «ذی القربی» به معنای صاحب قرابت از خویشاوندان است. «ابن السبیل» به معنای مسافر در راه مانده و حاجتمند است، و این که کلمه «حق» به ضمیر «ذی القربی» اضافه شده، دلالت دارد بر این که برای ذی القربی حق ثابتی است (طباطبایی، ۱۴۱۶، ج ۱۴، ص ۱۷۱).

۲-۲-۲. آیات ۳۳-۳۴ سوره حاقه

حاقه هفتاد و هشتمین سوره است که بعد از سوره «ملک» در مکه نازل گردید (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲). در آیات ۳۳ و ۳۴ این سوره بیان شده: «إِنَّهُ كَانَ لَا

يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ * وَ لَا يَخْضُ عَلٰى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (حاقه: ۳۴)؛ چرا که او به خدای بزرگ نمی‌گروید و به اطعام مسکین تشویق نمی‌کرد.

پس از آن که در سوره‌های پیشین اطعام مسکین در کنار بحث معاد مطرح شد در این سوره به ایمان عطف می‌شود چرا که یکی از عوامل شرک حب دنیا است. این موضوع مخاطب اولیه را نسبت به اهمیت بالای کمک به فقرا و نیازمندان آگاه می‌کند و مسیری متفاوت با آنچه در جاهلیت انجام می‌شد برای آن‌ها ترسیم می‌گردد. مؤلف «التحریر و التنویر» می‌نویسد:

«اعراب زمان جاهلیت در مهمانی‌ها و ضیافت‌ها از روی ریا و معروف شدن اطعام می‌کردند و فقط اندکی از آن‌ها فقرا را غذا می‌دادند لذا تشویق نکردن بر غذای بینوا را به عنوان مبالغه و کنایه در خسیس بودن این شخص در اطعام در ماندگان ذکر کرد» (ابن عاشور، بی‌تا، ج ۲۹، ص ۱۲۶).

۲-۲-۳. آیه ۳۸ سوره روم

سوره روم هشتاد و چهارمین یا هشتاد و ششمین سوره است که بعد از سوره انشاق در مکه نازل گردید (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۴۱). مؤلف «تفسیر الحدیث» به دلیل ارتباط و شباهت فصول سوره نزول آن را به یک‌باره یا در پی هم می‌داند (دروزه، ۱۴۲۱، ج ۵، ص ۴۲۸). در آیه ۳۸ این سوره بر حق مسکین در اموال توانگران تأکید شده است: «فَاتَ ذَا الْقُرْبٰی حَقُّهُ وَ الْمَسْكِيْنَ وَ ابْنِ السَّبِيْلِ ذٰلِكَ خَيْرٌ لِّلَّذِيْنَ يُرِيْدُوْنَ وَجْهَ اللّٰهِ وَ اُولٰٓئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُوْنَ» (روم: ۳۸)؛ پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده را بده. این [اتفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است، و اینان همان رستگارانند.

روایات وارده در سبب نزول سوره «روم» متعدد و پراکنده است مانند آن که «طبرسی»

به نقل از «زهری» می‌نویسد:

«مشرکان در حال بحث با مسلمانان در مکه بودند و می‌گفتند رومیان اهل کتاب هستند و توسط ایرانیان شکست خوردند و شما گمان می‌کنید با کتابی که پیامبران بر شما فرستاده پیروز می‌شوید پس ما بر شما پیروز می‌شویم همان‌گونه که ایران بر روم غلبه کرد و پس از آن سوره روم نازل شد» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۵۴).

برخی منابع نیز با توجه به حوادث تاریخی، نزول این سوره را در حدود سال ۶۲۷ میلادی (سال ۱۳ بعثت) ذکر کرده‌اند (زحیلی، ۱۴۱۱، ج ۲۱، ص ۴۹؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۰، ص ۱۴).

با ملاحظه سیاق آیات این سوره مانند «وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» (روم: ۳۱) و محتوای کلی برخی از روایات معتبر سبب نزول به دست می‌آید که در زمان نزول این سوره تعداد مسلمانان افزایش یافته بوده و عقاید اسلامی در جامعه کاملاً مشرکان را درگیر خود کرده بوده است. خداوند در این سوره حقی را برای بینوایان و در راه ماندگان تعیین می‌کند و نه تنها آنچه را که در سوره اسراء بیان کرده بود تأکید می‌کند بلکه به نتیجه آن یعنی رستگاری جامعه نیز اشاره می‌نماید.

۲-۳. مرحله سوم؛ ارائه اطعام مسکین در قالب احکام فقهی - حقوقی

مرحله سوم در مدینه و با نزول سوره بقره آغاز می‌شود. این دوران مصادف با شکل‌گیری حکومت اسلامی و گسترش جامعه ایمانی است. در این دوران نیز مانند «مکه» بر خوراک دادن به نیازمندان تأکید می‌شود. ولی شیوه بیانی قرآن با دوران مکی متفاوت است. در مدینه احکام به صورت عملی و حقوقی ارائه می‌شود. اگر در مکه کمک به نیازمندان به عنوان یک وظیفه انسانی و به صورت کلی مطرح می‌شد ولی در این دوران راه‌های تأمین آن از مواردی مثل کفاره روزه،ظهار، سوگند بیهوده، شکار در حال احرام مشخص می‌شود. این روند در سایر سوره‌های مدنی نیز ادامه می‌یابد و با توجه به فراخور موضوع در قالب یک حکم، سهمی برای مساکین در نظر گرفته می‌شود. بدین سان در آیه ۶۰ توبه که

بر اساس ترتیب نزول آخرین آیات است؛ مسکین جزء مصادیق مصرف «زکات» قرار داده می‌شود و بر اهتمام به آن‌ها تأکید می‌شود. جدول زیر آیات این مرحله را به ترتیب نزول ارائه می‌دهد:



سال نزول	تکته جدید	پیام اصلی	آیه	
اول هجری	اولین بار اطعام به مسکین به عنوان یک حکم فقهی مطرح و منابع آن مشخص می شود.	تعیین اطعام به مسکین به عنوان کفاره روزه	بقره: ۱۸۴	۱
اول هجری	آگاه بودن خداوند به انفاق و پرهیز از تظاهر	اطعام مسکین یکی از مصارف انفاق	بقره: ۲۱۵	۲
دوم هجری		کمک به مسکین یکی از مصارف خمس	انفال: ۴۱	۳
حدود سال سوم هجری	با نیازمندان پسندیده سخن بگویند.	مسکین خوشاوند یکی از مشمولان ارث	نساء: ۸	۴
	غرور مانع نیکی به نیازمندان نشود	نیکی به مسکین در کنار هشت طبقه اجتماعی دیگر در جهت استوار سازی جامعه	نساء: ۳۶	۵
	ارائه الگوی عملی و ذکر نذر امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س)	اطعام به مسکین در سخت ترین شرایط	انسان: ۸	۶
حدود سال سه و چهار هجری	کمک به بینویان مانع انحصار ثروت در بین توانگران می شود.	مسکین یکی از صاحبان غنیمت	حشر: ۷	۷
ششم هجری	اشاره به تعداد مسکین و تعیین آن به عنوان حدود الهی	کفارهظهار	مجادله: ۴	۹
نهم هجری	اشاره به پوشش نیازمندان، اطعام از همان چیزی که خود استفاده می کنید.	کفاره سوگند بیهوده	مائده: ۸۹	۱۰
نهم هجری	تعیین آن به عنوان سزای زشت کاری	کفاره شکار در حال احرام	مائده: ۹۵	۱۱
نهم هجری	به عنوان یک فریضه الهی تعیین می شود	یکی از مصارف زکات	توبه: ۶۰	۱۲

جدول شماره ۳: آیات مرحله سوم تشریح اطعام مسکین

۲-۳-۱. آیه ۱۸۴ سوره بقره

سوره بقره اولین سوره است که در مدینه بعد از هجرت نازل شده است. ابن عباس می‌گوید: «هی اول ما نزل بالمدينة، و هذا قول الحسن، و مجاهد، و عكرمة، و جابر بن زيد، و قتادة» (ثعلبی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۱۳۶؛ ابن جوزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۴). در آیاتی از این سوره پیرامون لزوم اطعام به مسکین سخن به میان آمده است و از آن جایی که قولی درباره استثنائی بودن نزول این آیات یافت نشد آیات به همان ترتیبی که در سوره ذکر شده آورده می‌شود: «أَيَّاماً مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَّرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَ عَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامِ مِسْكِينٍ فَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْراً فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَ أَنْ تَصُومُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (بقره: ۱۸۴)؛ [روزه در] روزهای معدودی [بر شما مقرر شده است]. [ولی] هر کس از شما بیمار یا در سفر باشد، [به همان شماره] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]، و بر کسانی که [روزه] طاقت فرساست، کفاره‌ای است که خوراک دادن به بینوایی است.

در این آیه شریفه اطعام مسکین به عنوان جایگزین برای روزه ذکر شده است. «فدیه» به معنی عوض است و مشهور در مقدار طعام یک مد از گندم است که یک چهارم صاع یعنی یک چارک باشد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۳۳۱). از امام محمد باقر (ع) روایت شده:

«سالخوردگان و کسانی که مرض تشنگی دچار شده‌اند اگر در ماه

رمضان روزه خود را بخورند گناهی بر آنها نیست و باید به ازای هر

روز به اندازه یک مد طعام بدهند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۶۵).

در آیه ۲۱۵ همین سوره اطعام مسکین یکی از مصارف انفاق در نظر گرفته می‌شود: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَ الْأَقْرَبِينَ وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ» (بقره: ۲۱۵)؛ از تو می‌پرسند: «چه چیزی انفاق کنند [و به چه کسی بدهند]؟» بگو: «هر مالی انفاق کنید، به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه مانده تعلق دارد، و هرگونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست.

در سبب نزول آیه بیان شده این آیه در شأن «عمرو بن جموح انصاری» نازل شد و او پیرمردی بزرگوار و ثروتمند بود، از رسول الله (ص) سؤال نمود که باید چه انفاق کرد و به

چه کسانی داد؟ پس این آیه نازل شد (واحدی نیشابوری، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۷۶). از سبب نزول آیه به دست می آید با توجه به توصیه های قرآن به انفاق و کمک به سایرین لذا مسلمانان به اهمیت آن آگاه شده بودند و از جوانب مختلف آن از پیامبر (ص) سؤال می پرسیدند و خداوند با نزول این آیه جوانب آن را روشن می کند.

۲-۳-۲. آیه ۴۱ سوره انفال

انفال هشتاد و هشتمین سوره است که بعد از سوره بقره در مدینه نازل گردید (بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸؛ بهجت پور، ۱۳۹۲، ص ۳۴۵). در سبب نزول آن بیان شده پیامبر (ص) در جنگ بدر فرمود هر که دشمن را بکشد آنچه متعلق به دشمن باشد متعلق به او خواهد بود و هر کس دشمنی را اسیر نماید برای او خواهد بود. پیرمردان زیر پرچمها استوار می بودند و جوانان به جنگ و کشتار و برداشت غنائم می پرداختند لذا پیرمردها به جوانان می گفتند ما را در غنائم خود شریک کنید زیرا با شما در جنگ شرکت داشته ایم با این گفتار نزدیک بود کار به نزاع منجر شود سپس این آیه نازل گردید و اختیار تقسیم غنائم به پیامبر (ص) واگذار گردید (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۷۸؛ واحدی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۲۳۵).

«وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّمَيِّ الْجُمُعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال: ۴۱)؛ مؤمنان، همان کسانی اند که چون خدا یاد شود دلهایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید، و بر پروردگار خود توکل می کنند.

از این آیه به دست می آید در جنگ های صدر اسلام برخی به شیوه جاهلی قصد داشتند غنائم جنگی را مال خود کنند لذا خداوند با این شیوه مخالفت می نماید و از آنجا که یکی از اصول اقتصادی اسلام عدالت است فقرا و نیازمندان را نیز در بهره مندی از غنائم سهیم می کند و مانند سوره بقره کمک به آن ها را در قالب یک حکم فقهی قرار می دهد. گفتنی است غنائم مفهوم وسیعی دارد و شامل هر نوع درآمدی می شود.

راغب می‌گوید «العُنْمُ؛ إصابته و الظفر به، ثم استعمل في كلّ مظفور به من جهة العدى و غیرهم» (راغب اصفهانی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۶۱۵)؛ «غنم» در اصل دست یافتن به گو سفند است سپس در هر دست یافته بکار رفته خواه از دشمن باشد یا غیر آن. لذا بسیاری از فقها حکم این آیه را به سایر درآمدها نیز تسری داده‌اند.

۲-۳-۳. آیه ۸ سوره نساء

سوره نساء ششمین سوره است که بعد از سوره ممتحنه در مدینه نازل گردیده و در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره چهارم است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۴؛ نکونام، ۱۳۸۰، ص ۱۴۲). نگارنده «التفسیر الحديث» می‌نویسد: «و أكثر روایات ترتیب النزول تجعل هذه السورة سادسة السور المدنية نزولا و منها ما يجعلها ثامنة» (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۸، ص ۸).

خداوند در این سوره نیز در آیات ۸ و ۳۶ اطعام مسکین اشاره نموده است: «إِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينُ فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَ قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا» (نساء: ۸)؛ و هر گاه، خویشاوندان یتیمان و مستمندان در تقسیم [ارث] حاضر شدند، [چیزی] از آن را به ایشان ارزانی دارید و با آنان سخنی پسندیده گوید.

در این آیه شریفه مانند دیگر آیات دوره مدنی با توجه به اقتضای موضوع یک سهم مشخص برای بینویان در نظر گرفته می‌شود و یکی از مشمولان ارث را در ماندگان خویشاوند قرار می‌دهد.

«مقاتل بن سلیمان» نقل می‌کند:

«در جاهلیت زنان و خردسالان را از ارث محروم می‌کردند و «ام

کحّه» و دخترانش از این رسم به پیامبر (ص) شکایت کردند و این

آیات نازل شد» (سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۵۹).

صاحب «مجمع البیان» نیز می‌نویسد:

«عرب در دوران جاهلیت، دختران را از ارث محروم می‌کرد و این آیه برای رد این روش ناپسندیده، نازل گردید» (طبر سی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۹).

این آیه حاوی این نکته تربیتی مهم در رابطه با اطعام نیازمندان است که اهدا هدایای مالی باید همراه با سخنان پسندیده و عواطف باشد. نگارنده تفسیر «من هدی القرآن» می‌نویسد:

«قولاً معروفاً در این آیه و در هر مناسبتی که با مسئله ارث شباهت داشته باشد، به معنی ضرورت عمل است به خاطر بالا آوردن سطح طبقات محروم هم از جنبه روحی و هم از جنبه تربیتی تا احساس حقارت نکنند بلکه آنان را به کوشش و تلاش برای اصلاح وضع و حالشان مساعدت نماییم» (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۶).

۲-۳-۴. آیه ۳۶ سوره نساء

«وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئاً وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَاناً وَ بِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجُنُبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالاً فَخُوراً» (نساء: ۳۶): و خدا را بپرستید و چیزی را با او شریک مگردانید و به پدر و مادر احسان کنید و در باره خویشاوندان و یتیمان و مستمندان و همسایه خویش و همسایه بیگانه و همشسین و در راه مانده و بردگان خود [نیکی کنید]، که خدا کسی را که متکبر و فخر فروش است دوست نمی‌دارد.

آن گونه که در منابع تفسیری بیان شده مخاطب این آیه اهل کتاب هستند که در اعمال خود اخلاص نداشتند (سلیمان، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۳۷۱). از سوی دیگر با توجه به تشکیل جامعه اسلامی ایجاد توازن بین طبقات مختلف جامعه امری ضروری بود. سید قطب می‌نویسد:

«این آیات قرآن آغازگر اصلاح جامعه اسلامی و خالص کردن آن از آداب غلط جاهلی و تشبیهت افق‌های پیش روی جامعه نوپای اسلامی است. همچنین مسلمانان را از اهل کتاب خصوصاً یهود مدینه و ممانع تراشی‌ها آنان برای جلوگیری از رشد جامعه اسلامی بر حذر می‌دارد. از آنجایی که این جامعه جدید اسلامی رویکرد تازه‌ای داشت بنیان آن را بر پایه توحید خالص قرار می‌دهد و حیات آن در هر طرف به این امر بستگی دارد» (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۶۵۸).

۲-۳-۵. آیه ۸ سوره انسان

یکی از شیوه‌های تربیتی زبان قرآن معرفی الگوهای سازنده در زمینه‌های مختلف است لذا در سوره «انسان» امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) به عنوان الگوهایی معرفی می‌شوند که در سخت‌ترین شرایط اطعام نیازمندان را ترک نکردند: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَىٰ حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أُسِيرًا» (انسان: ۸): و به (پاس) دوستی (خدا)، بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. در مکی یا مدنی بودن سوره «انسان» اختلاف نظر است. عموم شیعیان اعتقاد دارند سوره انسان یا حداقل آیات ابتدایی آن مدنی است. برخی از علمای اهل سنت در این امر تشکیک کرده و معتقدند این سوره مکی است هر چند علمای بزرگ اهل سنت اعتقاد بر مدنی بودن این سوره دارند.

«سمرقندی» از قدیمی‌ترین مفسران اهل سنت می‌نویسد: «و هی إحدى و ثلاثون آية مدنية» (سمرقندی، بی تا، ج ۳، ص ۵۲۵). «زمخشری» نیز همین نظر را دارد: «مدنية و آياتها نزلت بعد الرحمن» (زمخشری، ۱۴۰۶، ج ۴، ص ۶۶۵). نزدیک به همین قول را صاحب معالم التنزیل (بغوی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۸۸)، الجامع لاحکام القرآن (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۱۸۸)، لباب التأویل (بغدادی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۳۷۶) نیز بیان نموده اند.

در مورد شأن نزول این آیه ابن عباس و مجاهد و ابی صالح روایت کرده‌اند که حسن و حسین (ع) بیمار شدند. پس امام علی (ع) و حضرت فاطمه (س) برای شفای آنها سه روز، روزه نذر کردند و در زمان افطار این سه روز به ترتیب یک فقیر و یتیم و اسیر به در منزل ایشان آمدند و آن‌ها هم غذای خود را به این نیازمندان دادند و خود با شکم خالی افطار کردند و به همین مناسبت سوره «هل آتی» نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱۰، ص ۶۱۲). ابن عطیه نیز می‌نویسد: «أَنَّ نُزْلَ فِي صَنِيعِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ فِي إِطْعَامِهِ عِشَاءَ وَ عِشَاءِ أَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ لِمَسْكِينِ لَيْلَةٍ، ثُمَّ لِيَتِيمِ لَيْلَةٍ، ثُمَّ لِأَسِيرٍ لَيْلَةٍ مُتَوَالِيَاتٍ» (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ج ۵، ص ۴۰۸).

۲-۳-۶. آیه ۷ سوره حشر

سوره «حشر» به عنوان دوازدهمین سوره پس از سوره «بینه» در مدینه نازل شده است (زرکشی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹۴؛ بغدادی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۸). این سوره به داستان یهودیان «بنی نضیر» اشاره دارد که به خاطر نقض پیمانی که با مسلمین بسته بودند محکوم به جلای وطن شدند. «طبرسی» از «ابن اسحاق» نقل کرده که خروج «بنی نضیر» بعد از آن بود که رسول خدا (ص) از جنگ «احد» برگشت و همچنین از «زهری» نقل می‌کند جلای آن‌ها پیش از جنگ «احد» و شش ماه بعد از جنگ «بدر» اتفاق افتاد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۸۹). طبق قول «ابن اسحاق» نزول این سوره در اواخر سال سوم هجرت یا در اوائل سال چهارم واقع شده است چون جنگ «احد» در روز پانزدهم «شوال» سال سوم اتفاق افتاد و بنا بر قول «زهری» نزول آن در اوائل سال سوم بوده است زیرا «جنگ بدر» در «رمضان» سال دوم واقع گردید (قریشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۸۸).

در آیه ۷ این سوره بیان شده: «مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (حشر: ۷)؛ آنچه خدا از [دارایی] ساکنان آن قریه ها عاید پیامبرش گردانید، از آن خدا و از آن پیامبر [او] و متعلق به خویشاوندان نزدیک [وی] و یتیمان و بینوایان و در راه ماندگان است، تا میان توانگران شما

دست به دست نگردد. و آنچه را فرستاده [او] به شما داد، آن را بگیریید و از آنچه شما را باز داشت، بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.

در سور پیشین اطعام مسکین به عنوان یکی از مصارف مالیات‌های اسلامی قرار گرفت در این آیه شریفه بخشی از غنائم جنگی برای نیازمندان در نظر گرفته می‌شود و علت این امر را انحصار نداشتن ثروت در بین ثروتمندان جامعه ذکر می‌شود: «كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ» (حشر: ۷).

گفتنی است می‌توان «دوله» را مرفوع خواند بنا بر این که «کان» تامه باشد، یعنی تا مانند دوره جاهلیت دست به دست نگردد یا چیزی نباشد که ثروتمندان در میان خود دست به دست بگردانند. چرا که در دوره جاهلیت رسم بر این بود که یک چهارم غنایم به رؤسا و بزرگان برسد و به آنها اختیار داده می‌شد هر طور بخواهند در آن عمل کنند (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۶، ص ۲۷۹). بدین ترتیب علاوه بر از بین بردن اعتقادات جاهلی یک قاعده نیز پی‌ریزی می‌شود تا درآمدهای جامعه اسلامی تنظیم گردد.

۲-۳-۷. آیات ۳ و ۴ سوره مجادله

«مجادله» نوزدهمین سوره است که بعد از سوره منافقون در مدینه نازل گردید شباهت محتوایی این دو سوره نیز این موضوع را تأکید می‌کند (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۸، ص ۲۶۹؛ سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۳۸). نزول حکم ظهار را در سال ششم هجرت رخ داده در نتیجه این سوره در همان سال نازل گردیده است و در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره پنجاه و هشتم است (قریشی، ۱۳۷۷، ج ۱۱، ص ۵۲).

در آیات ۳ و ۴ سوره مجادله «مسکین» به عنوان یکی از مصادیق کفار «ظهار» تعیین می‌شود: «وَ الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكُمْ تُوَعِّظُونَ بِهِ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ * فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا فَمَنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فِإِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَ رَسُولِهِ وَ تَلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَ لِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (مجادله: ۳-۴)؛ و کسانی که زناشان را ظهار می‌کنند، سپس از آنچه گفته‌اند پشیمان

می شوند، بر ایشان [فرض] است که پیش از آن که با یکدیگر همخوابگی کنند، بنده ای را آزاد گردانند. این [حکمی] است که بدان پند داده می شوید، و خدا به آنچه انجام می دهید آگاه است. و آن کس که [بر آزاد کردن بنده] دسترسی ندارد، باید پیش از تماس [با زن خود] دو ماه پیاپی روزه بدارد و هر که نتواند، باید شصت بینوا را خوراک بدهد. این [حکم] برای آن است که به خدا و فرستاده او ایمان بیاورید، و این است حدود خدا. و کافران را عذابی پردرد خواهد بود.

«ظهار» از طلاق های جاهلیت بود و بسیاری از مردم تا بعد از اسلام به آن اعتقاد داشتند ولی اسلام با آن مبارزه کرد و آن را باطل نمود. این آیات درباره زنی از انصار، از قبیله خزرج نازل شد که به روایت ابن عباس خویله دختر خویلد نام داشت. شوهرش اوس بن صامت بود. روزی اوس عصبانی می شود و به همسرش می گوید: تو بر من هم چون پشت مادرم هستی، بعد بر آنچه گفته بود پشیمان شد و به زنش گفت: بی گمان تو بر من حرام شده ای. پس آن زن نزد پیامبر (ص) آمد و ماجرا را گفت و سوره مجادله نازل شد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۳۷۱؛ حجتی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۷۷).

۲-۳-۸. آیه ۸۹ سوره مائده

سوره مائده بعد از سوره «فتح» و صلح حدیبیه در مدینه نازل شده و صد و بیست آیه است (سلیمان بلخی، ۱۴۲۳، ج ۱، ص ۴۴۷). صاحب «المیزان» می نویسد:

«اهل حدیث و تاریخ اتفاق دارند بر اینکه سوره مائده آخرین سوره از سوره های مفصل قرآن است که در اواخر ایام حیات رسول خدا (ص) بر آن جناب نازل شده، در روایات شیعه و سنی هم آمده که در مائده ناسخ هست ولی منسوخ نیست، چون بعد از مائده چیزی نازل نشد تا آن را نسخ کند، و مناسب با این وضع همین بود که در این سوره به حفظ پیمان هایی که خدای تعالی از بندگانش گرفته، و

خویشتن داری در حفظ آن‌ها سفارش کند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۵۶).

در دو آیه این سوره به «اطعام مسکین» اشاره شده است: «لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَ لَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا عَقَّدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّارَتُهُ إِطْعَامُ عَشْرَةِ مَسَاكِينَ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ» (مائده: ۸۹)؛ خدا شما را به سوگندهای بیهوده تان مؤاخذه نمی‌کند، ولی به سوگندهایی که [از روی اراده] می‌خورید [و می‌شکنید] شما را مؤاخذه می‌کند. و کفاره‌اش خوراک دادن به ده بینواست - از غذاهای متوسطی که به کسان خود می‌خورانید خداوند مانند دیگر آیات مدنی در این آیه نیز یک راه کار عملی و مشخص و در حوزه احکام برای اطعام مسکین تعیین کرده و آن را به عنوان کفاره سوگندهای بیهوده در نظر می‌گیرد. نکات جدیدی در این آیه نسبت به سایر آیات وجود دارد. در این آیه به تعداد نیازمندان اشاره شده و علاوه بر آن بر کیفیت اطعام هم اشاره شده است و با تعبیر «مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ» بیان گردیده که باید شأن مسکین حفظ شود و هر چیزی بی‌ارزشی به آن‌ها داده نشود.

در این آیه شریفه به پوشاندن نیازمندان نیز اشاره شده که یک موضوع بی‌سابقه در آیات گذشته است و به نوعی تکمیل‌کننده خوراک دادن است چرا که دو نیاز اساسی انسان خوراک و پوشاک است. در آیه ۹۵ همین سوره اطعام مسکین کفاره شکار در حال احرام قرار داده می‌شود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدِيًّا بِاِلْتِزَامِ الْكُفَّةِ أَوْ كَفَّارَةً طَعَامِ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلَ ذَلِكَ صِيَاماً لِيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمِ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ» (مائده: ۹۵)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، در حالی که مُحَرِّمِید شکار را مکشید، و هر کس از شما عمداً آن را بکشد، باید نظیر آنچه کشته است از چهارپایان کفاره‌ای بدهد، که [نظیر بودن] آن را دو تن عادل از میان شما تصدیق کنند، و به صورت قربانی به کعبه برسد. یا به کفاره [آن] مستمندان را خوراک بدهد، یا معادلش روزه بگیرد، تا سزای زشتکاری خود را بچشد. خداوند از

آنچه در گذشته واقع شده عفو کرده است، و [لی] هر کس تکرار کند خدا از او انتقام می‌گیرد، و خداوند، توانا و صاحب انتقام است.

در مورد سبب نزول آیه نقل گردیده که در باره مردی به نام «عمر بن مالک الانصاری» نازل شده که در سال حدیبیه محرم بود و گورخری را شکار می‌کند و آیه نازل می‌شود (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۲۲۸). البته مشخص است که این نقل می‌تواند از باب تطبیق باشد چرا که به صورت کلی؛ سیاق آیات سوره «مائده» ناظر بر تشریح احکام است و روایات نقل شده نیز صراحت لازم در سبب نزول را ندارند. گفتنی است منظور از «كَفَّارَةٌ طَعَامٌ مَسَاكِينَ» این است که حیوانی را که باید قربانی شود قیمت کرده و قیمت آن تبدیل به گندم شده و به هر مسکین نصف صاع از آن صدقه دهد (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۹).

۲-۳-۹. آیه ۶۰ سوره توبه

سوره توبه بعد از مائده در مدینه نازل گردید. بخاری نقل کرده که آخرین سوره نازل شده است (بخاری، ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۴۳۲۹). عابد الجابری و دروزه آن را بیست و هفتمین سوره مدنی قرار داده‌اند (دروزه، ۱۳۸۳، ج ۹، ص ۳۴۰). برخی نیز جمع کرده‌اند که بر اساس آیات ابتدایی این سوره آخرین سوره و سوره نصر آخرین سوره کامل است ولی در هر صورت نزول آن را بالاتفاق در سال نهم هجرت گفته‌اند (سیوطی، ۱۹۷۴، ج ۱، ص ۳۲).

در ترتیب فعلی قرآن مجید سوره نهم است. در آیه ۶۰ این سوره به اطعام نیازمندان اشاره شده است: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَ فِي الرِّقَابِ وَ الْعَارِمِينَ وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ» (توبه: ۶۰)؛ صدقات، تنها به تهیدستان و بینوایان و متصدیان [گردآوری و پخش] آن، و کسانی که دلشان به دست آورده می‌شود، و در [راه آزادی] بردگان، و وامداران، و در راه خدا، و به در راه مانده، اختصاص دارد. [این] به عنوان فریضه از جانب خداست، و خدا دانای حکیم است.

در سبب نزول این آیه گفته شده چون صدقات از اطراف جمع آوری شده، به مدینه حمل شد. ثروتمندان همه آمدند، به خیال این که از این صدقات سهمی می‌برند، ولی وقتی

دیدند رسول خدا(ص) همه را به فقرا داد شروع کردند به بیهوده گویی و گفتند: ما به همراهی او به جنگ می پردازیم و دین او را تقویت می کنیم ولی او صدقات را به فقرا می دهد پس خداوند این دو آیه را نازل کرد: «و مِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضْوَانًا وَإِنْ لَمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْتَخْطُونَ* وَ لَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَ رِسُولُهُ وَ قَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ سُبُوتِنَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ رِسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ» (توبه: ۵۸-۵۹).

آن گاه خداوند در آیه بعد به تفسیر صدقات پرداخت و توضیح داد که آن را چه کسانی باید پردازند، و به چه کسانی باید داده شود (قمی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۲۹۸). آن گونه که در منابع تفسیری بیان شده به قرینه «فَرِيضَةٌ مِنَ اللَّهِ» منظور از «صدقات» در این آیه شریفه زکات واجب است (راوندی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۲۲۶؛ شریفی لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۸۰). در دوران نزول سوره توبه جامعه اسلامی درخت تنومندی شده که دارای هویت مستقل است و می تواند به رشد خود ادامه دهد. ویژگی این دوران تثبیت و تکمیل احکام برای جلوگیری از فراموشی است. لذا در این سوره «اطعام مسکین» نیز در قالب حکم زکات و به عنوان یک فریضه الهی تأکید میشود تا اهتمام مسلمین نسبت به آن بیشتر شود.

نتیجه گیری

از بررسی آیات مرتبط با اطعام «مسکین» با توجه به فضای نزول به دست می آید که:

۱. در هر دو دوره مکی و مدنی بحث اطعام فقرا مطرح شده و توجه به آن، از سوره قلم در قالب داستان تا سوره توبه که از مضمولان زکات قرار داده می شود، استمرار داشته است.

۲. در دوره مکی اطعام مسکین به اصول بنیادین اعتقادی پیوند خورده و از آن جایی که فضای سوره های ابتدایی قرآن، فضای هشدار و بیان دغدغه ها و ارائه راه کارهای نجات بخش اسلام است لذا اطعام نیازمندان و تشویق در آن به عنوان راه نجات از آتش معرفی شده است.

۳. در مدینه با توجه به تثبیت ایمان در دل‌ها و قبول دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله به عنوان احکام الهی، توجه مضاعفی به نیازمندان پرشمار مدینه می‌شود و شیوه بیانی قرآن نیز با «مکه» متفاوت است. در این دوران احکام اطعام مسکین به صورت مفصل و با توجه به جزئیات بیان می‌شود.

۴. با مقارنه آیات می‌توان بیان کرد تکمیل حکم اطعام مسکین سه مرحله کلی طی کرده است:

الف) طرح اطعام مسکین به عنوان یک مسئولیت انسانی و ارتباط آن با ایمان به خدا و روز جزا (سور ابتدایی مکی).

ب) تعیین حق در اموال مردم برای مسکین به صورت کلی و زمینه چینی در جهت ارائه آن به عنوان قانون (سور انتهایی مکی مانند سوره روم).

ج) در سومین گام اطعام مسکین به عنوان یک حکم فقهی - حقوقی مطرح و راه‌های تأمین منابع آن از خمس، زکات، غنیمت، کفاره ظهار، شکار، قسم بیهوده و... بیان می‌گردد. «اطعام مسکین» در آخرین سوره نازل شده (توبه) و در قالب حکم «زکات» تثبیت و تأکید می‌گردد.

منابع

۱. **قرآن کریم**، (۱۴۱۵ق)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن کریم.
۲. ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی، (۱۴۲۲ق)، **زاد الیه سیر فی علم التفسیر**، بیروت: دار کتب العربیه.
۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق)، **المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴ق)، **لسان العرب**، بیروت: دار صادر.
۵. ابوالفتح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸ق)، **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

۶. ازرقی، ابوالولید محمد بن عبدالله، (بی تا)، **اخبار مکه**، بیروت: دارالاندلس للنشر.
۷. افغانی، سعید، (۱۹۷۴م)، **اسواق العرب فی الجاهلیه و الاسلام**، بیروت: دارالفکر.
۸. بغدادی، علی بن محمد، (۱۴۱۵ق)، **لباب التأویل فی معانی التنزیل**، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۹. بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۲ش)، **تف سیر تنزیلی (مبانی، اصول، قواعد و فواید)**، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۰. حجتی، سید محمد باقر، (۱۳۷۷ش)، **اسباب النزول**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. حموی، یاقوت بن عبدالله، (بی تا)، **معجم البلدان**، بیروت: دارالفکر.
۱۲. دروزه، محمد عزت، (۱۳۸۳ش)، **التفسیر الحدیث**، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دارالعلم.
۱۴. راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵ق)، **فقه القرآن فی شرح آیات الأحکام**، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
۱۵. زحیلی، وهبه، (۱۴۱۱ق)، **التفسیر المنیر فی العقیده و الشریعه و المنهج**، دمشق: دارالفکر.
۱۶. زرکشی، بدرالدین، (۱۳۷۶ش)، **البرهان فی علوم القرآن**، بیروت: دارالمعرفه.
۱۷. سلیمان بلخی، مقاتل، (۱۴۲۳ق)، **تفسیر قرآن**، بیروت: دار احیاء التراث.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، (۱۹۷۴م)، **الاتقان فی علوم القرآن**، قاهره: هیئته المصریه العامه للکتاب.
۱۹. طالقانی، سید محمود، (۱۳۶۲ش)، **پرتویی از قرآن**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۳ش)، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷ش)، **جوامع الجامع**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۲۳. طبری، محمد بن جریر، (۱۴۱۲ق)، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دارالمعرفه.
۲۴. طریحی، فخر الدین، (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرین**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۲۵. طبیب، سید عبدالحسین، (۱۳۸۳ش)، **اطیب البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: انتشارات اسلام.
۲۶. علی، جواد، (۱۴۲۲ق)، **المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام**، بغداد: دار الساقی.
۲۷. فخرالدین رازی، محمد بن عمر، (۱۴۲۰ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۸. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۷۷ش)، **تفسیر احسن الحدیث**، تهران: بنیاد بعثت.
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد، (۱۳۶۴ش)، **جامع الاحکام القرآن**، تهران: ناصر خسرو.
۳۰. قزوینی، زکریا بن محمد، (بی تا)، **آثار البلاد و اخبار العباد**، بیروت: دار صادر.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷ش)، **تفسیر قمی**، قم: دارالکتاب.
۳۲. کاشانی، ملافتح الله، (۱۴۲۳ق)، **زبدۃ التفاسیر**، قم: بنیاد معارف اسلامی.
۳۳. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، **الکافی**، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. مدرسسی، سید محمد تقی، (۱۴۱۹ق)، **من هدی القرآن**، تهران: دارالمحبی الحسین.
۳۵. ملاحویش آل غازی، عبدالقادر، (۱۳۸۲ق)، **بیان المعانی**. دمشق: مطبعة الترقی.
۳۶. میدی، احمد بن ابی سعد، (۱۳۷۱ش)، **کشف الاسرار و عمده الابوار**، تهران: انتشارات امیر کبیر.
۳۷. نکونام، جعفر، (۱۳۸۰ش)، **درآمدی بر تاریخ گذاری قرآن**: تهران: هستی نما.
۳۸. واحدی، علی بن احمد، (۱۴۱۱ق)، **اسباب نزول القرآن**، بیروت: دارالکتب العلمیه.

Bibliography:

1. The Holy Quran
2. .

